

# سپید

نشر در خصوص استمرار فرهنگ ایرانی در چین  
سازگاری از گذشته

دکتر مهدی غروی

بلوشه هنرشناس بزرگ فرانسوی در باب درجه تاثیر مغولان در تکوین مینیاتور ایرانی می نویسد که مغولان ایران را فتح کردند اما از خود هیچ تمدنی نداشتند که رواج دهند و به همین دلیل فقط دوران بسیار کوتاهی توانستند بر قلمرو وسیعی که تقریباً سراسر آسیا را دربرمی گرفت حکومت کنند. ازین دوران حکمرانی مغولان هیچ اثر هنری یا علمی و ادبی مهمی که ازین تحول سیاسی اجتماعی متاثر باشد در دست نداریم، اما در آن آثار بسیار معدود هنری که برجای مانده فقط برخی جزئیات درچهره ها و لباسهای شخصیتها قابل تشخیص است و برای بازیابی بیشتر این تاثیر خود متون را باید بدقت بررسی کرد.

اما سر توماس ارنلد که بخش بزرگی از زندگی علمی خود را صرف تحقیق در آسیای مرکزی کرد، پس از مرگ، آثار مهمی از آن سامان را گرد آورده بود که با بررسی آن می توان به نکات مهمی درین زمینه پی برد.

ما در گذشته نیز به این نکته اشاره داشته ایم و اکنون باز یادآوری می کنیم چه درینجا پای دو دانشمند هنرشناس نامدار، توماس ارنلد و بازیل گری در میان است، استنتاج گری از مطالعات ارنلد این مطلب را ارائه می کند که این اثرات

چینی در هنر ایرانی آنقدرها مربوط به تسلط مغولان نیست. در قرن ها پیش از این اتفاق مظاهر تمدن چینی در بین النهرین گسترش زیاد داشت، علت عمده این امر گذشتن راه ابریشم ازین نقطه بود که به روم می رفت، صاحب اختیار این راه نیز ایرانیان بودند. بنابراین میان ایران و چین يك مرادۀ هنری ریشه دار وجود داشت و در نقوش پارچه های ایرانی، چینی در دوران حکمرانی ساسانیان وجوه اشتراك بسیار می توان یافت، اگر چه تجارت ابریشم میان اروپا و آسیا پس از رواج پرورش کرم ابریشم در قلمرو بیزانس بسیار تنزل کرد، دوران حکمرانی سلسله تانگ در چین عصر واقعی این رکود و کساد است!

خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر عالیقدر مغولان در تاریخ بزرگ خود سیاست جهانی خان مغول را که توسط خود وی طرح و اعمال شده است اعلام می دارد، وی باقرانک هادر اروپای کنونی، ارمنی ها و چینی ها ارتباط سیاسی و تجارتي برقرار ساخت. مارکوپولو که در ۱۲۹۵ میلادی تبریز را دیده است می نویسد که پایتخت خان مغول شهری است بین المللی و مخصوصاً از نقطه نظر بازرگانی جهانی از درخششی بی نظیر برخوردار است و تجارت ابریشم و سنگ های قیمتی در آن رواج فراوان دارد. بدیهی است این رواج

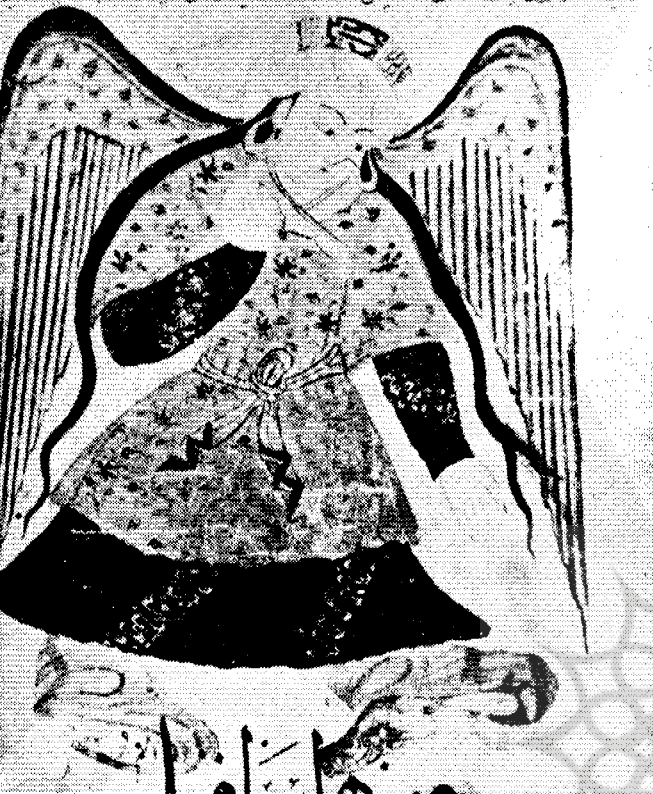
فرصت خوبی نیز به هنرمندان و هنر دوستان برای مبادلات عالی هنری می داد و هنرمندان ایرانی می توانستند به چین بروند و کار نقاشی خود را تکمیل کنند. در همین سالهای آخر حکمرانی ایباخانان است که نخستین شاهنامه سلطنتی (موجود در عصر ما) تدوین می گردد، این شاهنامه که امروز به نام يك دلال سودجو به دموت معروف شده است متأسفانه اوراق شده و ناقص است. ظاهراً نقاشان ایرانی با همکاری خطاطان طراز اول، این شاهنامه بزرگ و زیبا را برای سلطان ابوسعید آخرین حکمران مغولی ایران ساختند. این نسخه دارای تاریخ کتابت نیست اما حدود سال تهیه آنرا ۷۳۰ یا ۷۳۱ هـ (۱۳۳۰-۱۳۲۹ م) می دانند، اندازه نقاشیها بزرگ است بحدی که تمام عرض صفحه های شش ستونی کتاب را پر می کنند، اما هیچوقت بیش از نصف صفحه را نمی پوشانند و ازین لحاظ با تصاویر جامع التواریخ رشیدالدین قابل قیاس اند.<sup>۲</sup> بازیل گری در تاریخ هنر مینیاتور ایرانی دورانی را مشخص می سازد که نقاشی ایرانی تحت الشعاع و متابع هنر چینی در دوران سلسله یوآن (۱۳۶۸/ ۱۲۸۰) بوده است. وی این دوره را از قول هنرشناس دیگر به نام والی Waley چنین توصیف می کند: مغولان هیچ چیز فرهنگی جالبی به چین نیاوردند و نقاشان

# صُورَةُ الْمَشْتَرِي



# النَّظَرُ التَّامُّ مِنْ فَيْلِكَ رَجُلٍ

تَوَاتُرُ الْعَمَلِ وَالْيَأْسُ وَالْجَمَانُ وَهَذَا لَمْ يَكُنْ مِنْ الْأَمَلِ الْفَوْزِ سَهَابًا وَالثَّوْبُ مَا  
سَرَّاهُ وَهُوَ الْبَدَنُ مَسْدُ الْعِلْمِ كَمَا فِي الْأَمَلِ كَمَا فِي الْعِلْمِ كَمَا فِي الْعِلْمِ كَمَا فِي الْعِلْمِ



# وَمِنْهُمَا أَسْرَافِيلُ

وَمِنْهُمَا أَسْرَافِيلُ وَهُوَ الْمَلَكُ الْمُرْسَلُ إِلَى الْأَرْضِ لِيُنزِلَ فِيهَا مِنْ أَنْزَارِ رَبِّهِمْ سَائِرًا  
مُتَمَرِّغًا فِي الْأَعْيُنِ وَأَنْزِلَ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ الْحَبَّ وَالذَّيْبَ وَالسَّمِشْكَاتِ وَالزُّبُرَ وَالنَّخْلَ  
الْمُتَمَرِّغَةَ وَالنَّخْلَ الْمُسْتَقِيمَ وَالسَّكَاكِبَ وَالشَّجَرَاتِ الْمُنْتَمِرَةَ وَالْحَبَّ وَالذَّيْبَ وَالسَّمِشْكَاتِ  
وَالزُّبُرَ وَالنَّخْلَ الْمُسْتَقِيمَ وَالسَّكَاكِبَ وَالشَّجَرَاتِ الْمُنْتَمِرَةَ

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تصویر ۱ - یکی از آثار مهم برجای مانده از نقاشیهای بنیادی اسلامی مجموعه عجایب - المخلوقات قزوینی است با ۴۶۵ مینیاتور که در نیمه اول قرن ۱۵ تهیه شده و متأسفانه فاقد سنه کتابت است. این کتاب امروز به موزه آکادمی علوم نینگراد تعلق دارد. دو تصویر ازین مجموعه ارائه کرده ایم :

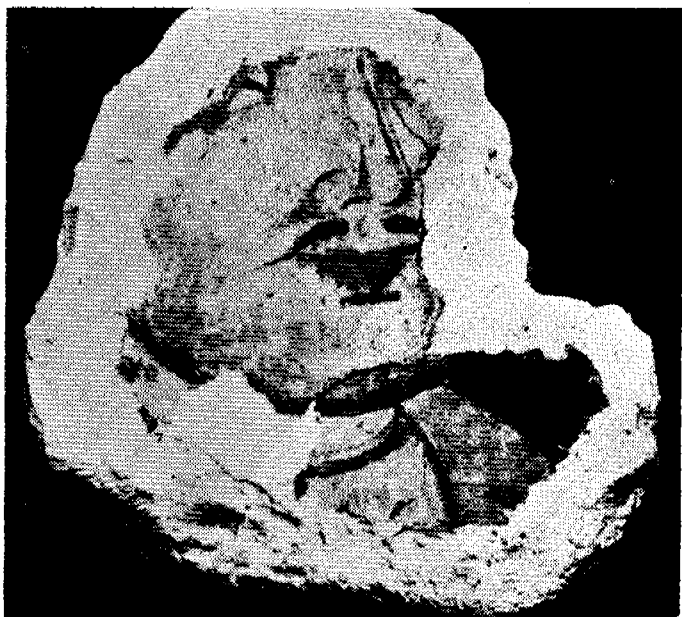
الف : صورت مشتری ، در تشریح منطقه البروج ، مشتری را که در اساطیری آریائی علامت قدرت و جنگجویی است بصورت یک روحانی کتاب در دست تصویر کرده است ، دو فرشته در دوسوی مشتری و نقوش دیگر همه حکایت از تلفیق هنر صورتنگاری مشرق و مغرب در بغداد دارد .

ب : صورت اسرافیل ، در صورت تأثیر نقاشی بودائی کاملاً هویداست نقوش روپوش

داد که نسخ متعددی ازین کتاب نوشته شود، به عربی و فارسی و بسیاری از مجلدات این کتاب را به دستور وی به نقاط دیگر ایران فرستادند، بهر تقدیر در ایران هیچ کتابی تا این حد تحت تأثیر و نفوذ هنرمندان چینی قرار نداشته است، خطوط، نقش اصلی را در تصاویر برعهده دارند و این از خصوصیات نقاشان چین به خصوص هنرمندان دوران سلسله سونگ است. از نقطه نظر اهمیتی که این کتاب در تکوین مکتب نقاشی مینیاتور ایرانی، در دوران کمال و اعتماد دارد به بررسی آن می پردازیم و پیش ازین بررسی به این نکته توجه خواهیم داشت که مغولان به

و ادیبان چینی نیز درین عصر به این نتیجه رسیدند که هیچ رویه ای شایسته تر از تقلید و تبعیت از کار ادیبان و هنرمندان عصر تانگ نیست، شاید بتوان گفت که همین عکس العمل بود که نتیجه اش خلق و ارائه کتاب معروف شاهنامه ابوسعیدی یادموت گردید، اما از شاهنامه دموت مهمتر درین مکتب کتاب جامع التواریخ است که به آن اشاره داشته ایم و بهتر است که آنرا بهترین معرف عصر نفوذ و گسترش نقاشی چینی - مغولی در ایران بدانیم.

تهیه این کتاب در تبریز زیر نظر خود رشیدالدین صورت گرفت و وی با قدرت سیاسی و اقتصادی که داشت فرمان



الف

روئی و آستین‌ها ساسانی و نقش عمامه و لباس زیری چینی است با لها و حالت عمومی اقتباس از هنر بیزانس توسط نقاشان نستوری است.

تصاویر شماره ۲ الف و ب

در بامیان افغانستان مجموعه‌ای از هنر و معماری آسیای مرکزی خلق و تکوین یافته است که امروز مورد توجه عمومی هنرشناسانی است که در باب مینیاتور ایرانی و بنیاد آن مطالعه و تحقیق می‌کنند. مشابهت این تصاویر با نقوشی که در نواحی دیگر آسیای مرکزی یافته شده و مایه اصلی صورتنگاری حماسی درین سرزمین شده کاملاً محسوس است.

الف: تصویری که در روی بدنه مجسمه بزرگ بودا نقاشی شده است و شاید بخشی از یک صحنه کامل بوده باشد. اندازه ۶۵ سانتیمتر.

ب: صورت مردی که با احتمال مهاکاشیا یا پادشاه کوشانی این صفحات است و آنهم در روی مجسمه بزرگ بودا، ۵۳ متری ترسیم شده، اندازه ۸۵ سانتیمتر.

ب





#### ظرف فلزی نقش‌دار از دوران غزنوی ۴

با هشت خانه مصور درشکم خود ، يك درمیان نقش انسان نشسته که هلال ماه در دست دارد ، دومرغ در حال معاشقه. هشت‌خانه دیگر در قسمت پائین ظرف حاوی نقش هیولاست . درحقیقت درین مجموعه آثاری از هنر سنتی ایران ، گندهای هند و هنر شمالی سکائی دیده می‌شود. متعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری که در آسیای مرکزی ساخته شد و اکنون به موزه کابل تعلق دارد. تصویر دومرغ را با تصویر دومرغ (شماره ۴) مقایسه کنید.

جامع‌التواریخ، امروز مشترکاً به کتابخانه دانشگاه ادینبورگ و انجمن آسیائی سلطنتی تعلق دارد، متن به‌عربی است و مملو از اثرات نقاشان چینی.<sup>۳</sup>

در کتابخانه توپ قاپوسرای ترکیه نیز مجموعه‌ای دیگر همانند و هم‌طراز نسخه اول وجود دارد<sup>۴</sup>، سومین مجموعه ازین کتاب به کتابخانه ملی پاریس متعلق است.<sup>۵</sup> مجموعه دیگر ازین کتاب را در يك نمایشگاه در فیلادلفیا عرضه کردند که امروز نمی‌دانیم در کجاست، تاریخ تهیه آن ۱۳۱۸ است و به‌احتمال این دو کتاب اخیر را شاهرخ هنگام گردآوری نسخ گوناگون جامع‌التواریخ در دست داشته است.

همانگونه که نسخه اقدم (دانشگاه

شاهنامه نپرداختند، بلکه به‌این کتاب که تاریخ خودشان و تاریخ جهان بود علاقمندی فراوان داشتند، اما مرور زمان و قدرت عظیم شاهنامه ایمن حقیقت را به‌اثبات رسانید که حتی آن کتاب عظیم، جامع‌التواریخ، نیز نمی‌تواند جای شاهنامه را بگیرد.

از کتاب جامع‌التواریخ متأسفانه نسخه‌ای کامل و جامع در دست نیست. اگر چه شاهرخ فرزند امیر تیمور برای حفظ این اثر عظیم فرمان داد که تمام نسخ موجود آنرا گردآوری کنند، شاید بدان سبب که می‌خواست نسخه‌ای جامع و کامل از آن ترتیب دهد که در کتابخانه سلطنتی محفوظ بماند.

مهمترین مجموعه از متن و تصاویر

ادینبورگ و انجمن آسیائی) مدل و نمونه‌ای شد برای تدارک نقاشیهای شاهنامه دموت، نسخه متعلق به کتابخانه ملی پاریس که حاوی برخی آثار نفوذ هنر عصر تیموری است و نسخه‌ای دیگر که در مزار شیخ صفی‌الدین قرار داشته و بعد به کتابخانه ملی سن پترزبورگ رفته، آنهم متاخر و حاوی برخی ریزه‌کاریهای عهد تیموری، سرمشق هنرمندان عصر تیموری شد برای تهیه شاهنامه بزرگ بایسنقری.

سر توماس ارنلد در اثر معروف خود نقاشی اسلامی‌هنگامی که از ریشه‌های بنیادی نقاشی اسلامی صحبت می‌کند به اثرات نقاشی چینی نیز اشاره کرده است<sup>۱</sup>، به‌کوتاهی این اشاره‌ها را بررسی می‌کنیم: درجه تاثیر نقاشی چینی در نقاشی اسلامی مشخص و معین نیست و برای تعیین میزان آن بحث و گفتگوهای بسیار شده است، روابط تجارتي میان چین و جهان اسلامی از همان نخستین قرن‌نکوبین امپراتوری اسلام آغاز شد «به عبارت بهتر همانگونه که در عصر ساسانیان وجود داشت ادامه یافت» در دوران سلطنت سلسله تانگ (۶۲۰-۷۲۰ م) کشتیهای تجارتي از بندر سیراف در شمال خلیج فارس بسوی دریای چین می‌رفتند و در مسیر خود از بندر بصره و عمان هم می‌گذشتند.

در قرن نهم میلادی این مرآده بیشتر يك طرفه بود، کشتیهای مسلمانان جای کشتیهای چینی را نیز گرفته بودند<sup>۲</sup>، درین مرآده‌ها ظروف چینی با نقوش زیبای خود سرمشق‌های خوبی برای هنرمندان مسلمان شدند، پروفیسور زاره در اکتشافات خود در سامره نه تنها این نقوش چینی بلکه ظروفی را نیز که هنرمندان بومی به تقلید از آنها ساخته بودند یافته است<sup>۳</sup>.

یکی دیگر از مراحل این مرآده تمدنی میان چینیان و مسلمانان آموزش کاغذسازی از سوی چینیان به مسلمانان

از نقطه نظر تاریخ هنر دارای ارزش باشد.<sup>۱۱</sup> مناظره کردن چینیان و رومیان در صورتگری در حضور شاه جهان اسکندر و خاقان چین<sup>۱۲</sup>.

یکی روز خرم‌تر از نوبهار  
گریده‌ترین روزی از روزگار

در کتابهای مارتین، بلوشه، کوئتل و گری آورده شده و در نقاشی ایرانی گری و ویلکینسن... دو مجلس آن به شماره‌های ۲۳ و ۲۳ ب، ارائه شده است.

۴- به شماره ۱۸۶۳۳۴۷۵ در دو جلد به ابعاد ۳۶×۲۶ خیلی کوچکتر از ابعاد نسخه ادینبورگ.

۵- نسخه‌های خطی فارسی آن کتابخانه به شماره ۱۱۱۳.

۶- این کتاب را قبلاً معرفی کرده‌ایم و این فصل هفتم است ص ۶۵۷۰ که مورد استناد ما قرار دارد.

۷- نقل از ص ۲۹ کتاب هاید تحت عنوان Histoire du commerce du levant au Moyen - Age, vol. I W. Heyd

۸- زاره:  
Wechselbeziehungen zwischen Ostasiatischer und Vordersiasiat-scher Keramik (Ostariatischer, vol. VIII, P: 338.

۹- از کتاب لطائف‌المعارف ثعالبی که توسط P. de Gong تصحیح و منتشر شده ص ۱۲۶ در سال ۷۵۲ م حکمران سمرقند بنام زیاد بن صالح کار کاغذسازی را از یک زندانی چینی فرا گرفت.

۱۰- نگاه کنید به کتاب هنر اسلامی ارنلد ص ۶۶، زیر نویس شماره ۲ که می‌نویسد جامی، دریوسف وزلیخا آورده است که زلیخا دستور داد صورتگران چینی تصویری از وی و یوسف تهیه کنند و تعریفی که ثعالبی در لطایف‌المعارف از نقاش چینی می‌کند، زیر-نویس شماره ۳ در همان صفحه کتاب ارنلد.

۱۱- نقل از ص ۹۹ خمسه چاپ بمبئی مورخ ۱۲۷۳.

۱۲- بدیهی است نظامی که در قرن هفتم می‌زیست، وضع هنر نقاشی در عصر خود را به این ترتیب مجسم می‌سازد و ارائه آن در دربار اسکندر بهانه‌ای بیش نیست.

نقاش چین، نقاشی چینی و نقش چین در ادبیات فارسی سابقه‌ای کهن دارد و ازنلد پس از ذکر برخی ازین شواهد<sup>۱۰</sup> فصل زیبایی از سکندرنامه نظامی نقل می‌کند که ما نیز به نقل آن می‌پردازیم که زیباست و خواندنی بیش از آنچه که

۱- نقل به اختصار از ص ۳۳ کتاب نقاشی ایرانی گری و ویلکینسن... و کتاب اروپا و چین از جی. اف. هودسن - ص ۱۲۲.

۲- متاسفانه نقاشیهای این کتاب فقط بطور پراکنده در دست مجموعه‌داران بزرگ از جمله وور در پاریس و راجرز و دموت در نیویورک می‌باشد، در سال ۱۹۳۳ بیست و دو مینیاتور آن عرضه گردید و در دومین جشن طوس در سال ۲۵۳۵ خانم سمیسون و خانم بلر دو محقق جوان از دانشگاه پرنتون امریکا این شاهنامه را از روی اسلایدهایی که از تصاویر آن برداشته شده است دقیقاً معرفی کردند، نگاه کنید به مقاله ایشان در مجموعه سخنرانیهای دومین جشن طوس تحت عنوان فردوسی و ادبیات حماسی. اندازه این نقاشیها ۴۰×۲۹ سانتیمتر است که ۷ تصویر آن به شماره‌های ۲۵ الف و ۲۶ الف و ۲۷ الف و ۲۴ الف و ۲۵ ب و ۲۷ ب، ۲۶ ب و ۱۰ در کتاب گری و ویلکینسون... ارائه شده است. روی هر صفحه تصاویر این کتاب از شهرت بی نظیری برخوردار و در بیشتر مجموعه‌ها و کتاب‌های مربوط به هنر مینیاتور نمونه‌های آن بچاپ رسیده است.

۳- بخش نخست (متعلق به دانشگاه ادینبورگ) حاوی تاریخ عباسیان، غزنویان و سلجوقیان است و جمعا ۷۰ نقاشی دارد به ابعاد ۴۲×۳۲ و تاریخ کتابت آن ۷۰۷ ه است.

نگاه کنید به شماره ۲۰ در کاتالگ نسخ خطی عربی و فارسی در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ (۱۹۲۵) و برای تصاویر آن شماره‌های ۱۹ و ۲۰ و ۵۳ ارنولد، کتاب نقاشی اسلامی بلوشه شماره‌های ۵۳ و ۵۸ و مارتین جلد اول از ۱۲ تا ۱۵ و در کتاب گری و ویلکینسون... جمعا ۹ تصویر شماره‌های ۱۸ آ و ۱۸ ب و ۱۹ آ و ۱۹ ب، ۲۰-۲۱ آ و ب و ۲۲ گراور شده است.

بخش دوم (متعلق به انجمن سلطنتی آسیائی) تاریخ هند و بودائیان است و بخشی از تاریخ قوم یهود را نیز دربر می‌گیرد. تاریخ کتابت آن ۷۱۴ است و جمعا ۱۰۰ نقاشی دارد، به ابعاد ۴۳۰×۳۰۰ سانتیمتر که برخی از آن



بامیان، دومرغ در حالیکه گردن بندی را با خود حمل می کنند. نقاشی در روی يك قطعه سفال . این نقاشی که نظیرش را در بافته های ساسانی نیز می بینیم از صحنه های سنتی و اساطیری ایران است (نگاه کنید به کتاب هر تسفلد : Am Tor uon Asien , pl. LXIII) که ارتباط میان این تصویر را با مرغ و رانگان و خورنه دریائی که این مروارید مشخص آنست ارائه می کند. تصویر دیگری از همین گروه در بامیان هست که فقط مرغان يك مروارید حمل می کنند ، نگاه کنید به صفحه ۳۹ تصویر ۵ در مجله Bulletin of the Iranian Institute شماره VI مقاله Dating of sasanian paintings at Bamian and Dukhlar-i- Noshirwan نقاشی مشابه آنرا در قصر ورخشا در سغدیانا می توان ملاحظه کرد ، تصویر شماره ۹۸ در کتاب Ancient Arts of Central Asia از تالیوت رایس .

به مهمان شه بود خاقان چین  
 دو خورشید با یکدیگر هم نشین  
 ز روم و ز ایران و از چین و زنگ  
 سماطین صفاها بر آورده تنگ  
 به می مجلس و چهره آراسته  
 ز روی جهان گرد برخاسته  
 در آن خرمیهای با تاز و نوش  
 رسیده ز لب موج گوهر فروش  
 سخن میشد از کار کار آگهان  
 که زیر کران کیستند از جهان  
 زمین خیز هر کشور از دهر چیست  
 بهر کشور از پیشه ها بهر کیست

یکی گفت نپرنگ و افسونگری  
 ز هندوستان خیزدار بنگری  
 دگر گفت بر مردم شوربخت  
 ز بابل رسد جادوئیهای سخت  
 یکی گفت کساید که اتفاق  
 سرود از خراسان ورود از عراق  
 چو زین قصه گفتن به آخر رسید  
 ز چینی و رومی سخن شد پدید  
 به صورتگری دعوی انگیختند  
 بساطی بمجلس فرو ریختند  
 نمودند هر یک بگفتار خویش  
 نموداری از نقش پرکار خویش  
 بر آتش سرانجام کار اتفاق  
 که سازند طاقی چو ابروی طاق  
 میان دو ابروی طاق بلند  
 حجابی فرود آور نشیند  
 برین گوشه رومی کند دستکار  
 بران گوشه چینی نگارد نگار

نه بینند پیرایش یکدگر  
 مگر مدت دعوی آید به سر  
 چو زان کار کردند پرداخته  
 حجاب از میان گردد انداخته  
 به بینند کز هر دو پیکر کدام  
 نو آئین تر آید چو گردد تمام  
 نشستند صورتگران در نهفت  
 دران جفته طاق چون طاق جفت  
 بیک مدت از کار پرداختند  
 حجاب از دو پیکر برانداختند  
 یکی بود پیکر دو ارژنگ را  
 تفاوت نه هم نقش و هم رنگ را  
 عجب مانداز آن کار نظاره کی  
 بحیرت فرو ماند یکباره گی  
 که چون کرده اند این دو صورت گذار  
 که دروی تفاوت نباشد بکار  
 میان دو پرکار بنشست شاه  
 درین و در آن کرد هر دو نگاه

نه شناخت از یکدگر بازشان  
 نه بی برده در پسرده رازشان  
 بسی راز از آن در نظر باز جست  
 نشد صورت حال بروی درست  
 همین در میانه یکی فرق بود  
 که این می پذیرفت و آن می نمود  
 چو فرزانه دید آن دو بتخانه را  
 بدیع آمد آن نقش فرزانه را  
 درستی طلب کرد چندان شتافت  
 کزان نقش سر رشته ای بازیافت  
 بفرمود تا در میان تاختند  
 حجابی دگر در میان ساختند  
 چو آمد حجابی میان دو کاخ  
 یکی تنگدل شد یکی شد فراخ  
 رقمهای رومی شد زاب و رنگ  
 بر آئینه چینی افتاد زنگ  
 چو شد صفه چینیان بی نگار  
 شگفتی فرو ماند از آن شهریار

مجلسی دیگر از شاهنامه چستریبی دویلین از قدیم ترین مجالس شاهنامه ای موجود . درین صحنه بردار کردن ضحاک در کوه دماوند وسیله فریدون نمایش داده شده است . فریدون گری باسروگاو بدست دارد که بازیرگری تصور می کند این احیای کوچکی است از هنر هخامنشی . اما باید در نظر داشت که از نظر اساطیر شاهنامه ای فریدون و گاو با رشته های مستحکمی بهم مربوط شده اند و نیازی نیست از دید هنرهای سنتی هخامنشی این نقش را بازبینی کنیم . کلاه تیراندازی که در پشت فریدون است و نقش خورشید در بالای سر وی نیز بسیار پر معنا و قابل تأمل است .









سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرزمین هند از کتاب جامع التواریخ رشیدی

تصاویر این کتاب از نقطه نظر اثرات نقاشی چینی در هنر مینیاتور ایرانی بی نظیر است، این تصویر متعلق به بخشی از این کتاب است که به انجمن آسیائی سلطنتی تعلق دارد. نگاه کنید به ص ۴۵ کتاب گری و ویلکینسون . . . که در باب اهمیت این کتاب و تصاویر آن در ارائه ساتورهای شاهنامه به تفصیل گفتگو می کند .

دگر ره حجاب از میان برکشید  
همان پیکر اول آمد دیدید  
بدانست کان طاق افروخته  
بصیقل رقم دارد اندوخته  
در آن وقت کانشغل میساختند  
میانه حجابی برافراختند  
بصورتگری بود رومی بیای  
مصطل همی کرد چینی سرای  
هران نقش کان صفه گیرنده شد  
بافروزش اینسو پذیرنده شد  
بر آن رفت فتوی در آن داوری  
که هست از هنر هر دورا یاوری  
نداند چو رومی کسی نقش بست  
که درصیقلی چین بود چیره دست

#### سپردخت و رودابه

مجلسی از شاهنامه معروف دموت که در تبریز در حدود سال ۱۳۳۰ م تهیه شده است و از نقطه نظر تصویرنگاری شاهنامه یک نقطه عطف است. این تصویر از شاهنامه دموت هنوز متعلق به مجموعه همین خانواده است و صحنه اعتراف رودابه را به مادرش نشان می دهد. نگاه کنید به گری ص ۴۸ و شماره ۳۹۵ .